





دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

موضوع:

بررسی نظریه «وجود ذهنی» در حکمت متعالیه صدرایی و مدل‌های تربیتی آن

کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، گرایش تعلیم و تربیت اسلامی

استاد راهنما:

دکتر سعید بهشتی

استاد مشاور:

دکتر توسلی

استاد داور:

دانشجو:

محمد خداوردی پور

تاریخ دفاع:

تقدیم به

پدر و مادر و همسر مهربانم

تقدیر و تشکر

با سپاس از درگاه ایزد منان، در اینجا لازم می دانم از زحمات بی شائبه ی کسانی که مرا در انجام

این کار، صادقانه یاری نمودند تقدیر و تشکر نمایم.

از حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعید بهشتی، استاد راهنمای ارجمندم و سرکار خانم دکتر توسلی،

که به عنوان استاد مشاور، در انجام این پژوهش خالصانه و صادقانه مرا بسیار راهنمایی نمودند صمیمانه

قدردانی می نمایم و همواره سلامتی و شادکامی ایشان را از پروردگار عزوجل خواهانم

همچنین از دوست گرانقدرم آقای مسلم ناظر به خاطر زحمات فراوانی که در این پژوهش متقبل

شدند؛ کمال سپاس گزاری را دارم.

در خاتمه سپاس فراوان خود را نسبت به همسر عزیزم که در تهیه این مجموعه مرا یاری نمودند، ابراز

می دارم.

چکیده:

تمام فلاسفه تا قبل از زمان ملاصدرا در پاسخ به این سؤال که حقیقت علم چیست؟ معتقد بودند که علم عرض است و عارض می شود بنابراین آن را داخل در مقوله ی کیف نفسانی می دانستند. با استناد به مطالعات تاریخ فلسفه ی اسلامی، تقریباً از زمان خواجه نصیرالدین طوسی به بعد، بابتی مستقل در فلسفه به نام «وجود ذهنی» گشوده می شود؛ اما از زمان صدرالمتألهین، با طرح نظریه ابتکاری وی در فلسفه اولی به نام «اصالت وجود»، تقسیم اولی دیگری در وجود به نام «وجود عینی(خارجی) و وجود ذهنی» مطرح و به این ترتیب بحث از علم و ماهیت و حقیقت آن رسماً از مقسم «مقولات» یعنی ماهیت و به طور مشخص؛ کیف نفسانی، خارج و به عنوان یکی از مسائل اولیه ی وجود، مورد بررسی و موشکافی فلسفی قرار می گیرد. پژوهش حاضر جزء تحقیقات کیفی به حساب می آید که با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه ی کتابخانه ای منابع دست اول و همچنین آثار اندیشمندان معاصر و مقالات پژوهشی در زمینه ی آرا فلسفی صدرا به عنوان منابع دست دوم، با ابزار فیش برداری جمع آوری گردید و سعی شد که با توجه به ابداعی و ابتکاری بودن بخش مهمی از فلسفه ی حکیم صدرالمتألهین شیرازی، بخش هایی از مبانی معرفت شناختی فلسفه ی صدرایی به صورت منظم تبیین شده و سپس مدلول های تربیتی این دیدگاه ها که عبارتند از: «اصل جهت دهی فکری متربی از کثرت قسمی خارجی به وحدت مقسمی ذهنی»، «اصل گزینش و آموزش مواد برنامه ی درسی با معیار تعالی وجودی متربی»، «اصل جایگزین سازی نگاه وجود شناسانه به علم به جای نگرش عرض پندارانه»، «اصل گزینش و آموزش مواد

درسی بنیان معرفت به جای مواد درسی مظنون، مشکوک و موهوم»، «اصل گزینش و آموزش مواد درسی

ناظر به واقع»، «اصل توسعه‌ی مداوم مرزهای وجود ذهنی جهان نما»، «اصل جایگزین سازی رویکرد

معناگرا به جای رویکرد ماده انکار» و «اصل جایگزین سازی نگاه جاودانه انکار به جای رویکرد فناپندار» با

استفاده از روش تحلیل متن، استنتاج گردد.

واژگان کلیدی: وجود ذهنی، حکمت متعالیه صدرایی، مدلول های تربیتی

عنوان

صفحه

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۲-۱- بطن مسئله ۴
- ۳-۱- ضرورت تحقیق ۶
- ۴-۱- اهداف تحقیق ۱۰
- ۵-۱- سؤال اصلی تحقیق ۱۱
- ۶-۱- سؤال های تحقیق ۱۱
- ۷-۱- تعریف مفاهیم تحقیق ۱۱

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه ی تحقیق

- ۱-۲- مقدمه ۱۴
- ۲-۲- مبانی نظری ۱۴
- ۱-۲-۲- سیر عقلانیت اسلامی ۱۵
- ۲-۲-۲- حکمت متعالیه ۲۰
- ۱-۲-۲-۲- قلمرو حکمت متعالیه ۲۲
- ۲-۲-۲-۲- روش شناسی حکمت متعالیه ۳۲
- ۳-۲-۲-۲- نسبت حکمت متعالیه با فلسفه های دیگر ۳۵
- ۳-۲-۲- جایگاه معرفت شناسی در مبانی فلسفه ی اسلامی ۳۹
- ۴-۲-۲- مسائل مربوط به معرفت شناسی در مبانی فلسفه ی اسلامی ۴۲
- ۱-۴-۲-۲- ماهیت علم و شناخت ۴۴
- ۲-۴-۲-۲- اقسام شناخت ۴۵
- ۳-۴-۲-۲- تجرد شناخت ۴۹
- ۵-۲-۲- تاریخچه ی بحث وجود ذهنی ۴۹

- ۳-۲- پیشینه ی تحقیق..... ۵۳
- ۳-۲-۱- پایان نامه ها..... ۵۴
- ۳-۲-۲- مقاله ها ۵۴
- ۳-۳-۲- کتاب ها ۵۶

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

- ۳-۱- مقدمه..... ۶۰
- ۳-۲- نوع تحقیق..... ۶۰
- ۳-۳- روش تحقیق..... ۶۴
- ۳-۴- روش و ابزار گرد آوری اطلاعات..... ۶۷
- ۳-۵- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات..... ۶۸

فصل چهارم: یافته های تحقیق

- ۴-۱- مقدمه..... ۷۱
- ۴-۲- بخش اول: بررسی سؤال اول تحقیق..... ۷۲
- ۴-۳- بخش دوم: بررسی سؤال دوم تحقیق..... ۷۷
- ۴-۳-۱- دیدگاه های عام ملاصدرا..... ۷۹
- ۴-۳-۲- دیدگاه های خاص ملاصدرا..... ۸۴
- ۴-۴- بررسی سؤال سوم تحقیق..... ۹۶
- ۴-۴-۱- اصول تربیتی مبتنی بر بساطت و بدهت مفهومی علم..... ۹۹
- ۴-۴-۲- اصول تربیتی مبتنی بر دو دیدگاه وجودی بودن علم و اتحاد وجودی علم و عالم..... ۱۰۰
- ۴-۴-۳- اصول تربیتی مبتنی بر دیدگاه های ماهوی علم و معلوم..... ۱۰۲
- ۴-۴-۴- اصول تربیتی مبتنی بر مجرد علم..... ۱۰۳

فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری

- ۵-۱- مقدمه..... ۱۰۵
- ۵-۲- بحث پیرامون سؤال های پژوهش..... ۱۰۶

۱۰۶ ۱-۲-۵ - بحث درباره ی سؤال اول پژوهش

۱۰۷ ۲-۲-۵ - بحث درباره ی سؤال دوم پژوهش

۱۰۷ ۳-۲-۵ - بحث درباره ی سؤال سوم پژوهش

۱۰۸ ۳-۵ - محدودیت های تحقیق

۱۰۸ ۴-۵ - پیشنهادها

۱۰۸ ۱-۴-۵ - پیشنهادهای پژوهشی

۱۱۰ ۲-۴-۵ - پیشنهادهای کاربردی

..... منابع

فصل اول:

کلیات تحقیق

برتری و امتیاز انسان بر دیگر موجودات به اندیشه و توانایی او به تفکر درباره ی خود و جهان و پدیده های مادی و معنوی آن و نیز شناخت آفریدگار و تأمل در فلسفه ی حیات و فرجام کار بشر و در نتیجه دست یافتن به راه خوشبختی است که شکل نظام یافته ی این اندیشه ورزی را حکمت^۱ و فلسفه^۲ می نامند. تاریخ تفکر فلسفی نشان می دهد که سرزمین ایران از دیر باز گهواره ی حکمت و دانش و خاستگاه فرهنگ والای انسانی بوده و آن را به سراسر جهان پراکنده است. ظهور اسلام و نزول قرآن حکیم و سنت و حکمت نبوی و اهل بیت معصومین او، این پدیده را شتاب بسیار و عمق فراوان بخشید و چیزی نگذشت که ریشه های آن، در زمین روح حکمت جوی ایرانی درختی تناور به بار آورد و میوه ی شیرین خود را به تمام نقاط جهان آن روز فرستاد. حکمای بزرگی مانند فارابی، ابن سینا، سهروردی، خواجه نصیر الدین طوسی، میرداماد و صدرالمتهلین از این سرزمین برخاستند.

صدرالمتهلین اگر چه در زمان، از همه متأخرتر بود ولی با دستاورد خود - یعنی مکتب بلند پایه ی حکمت متعالیه^۳ - توانست در صدر صف آنان قرار گیرد و سر سلسله ی حکما گردد.

اما با وجود جامعیت و کمال این مکتب و شخصیت یکتای صدرالمتهلین ملاصدرا در میان فلاسفه، خود و مکتب او، در محافل فلسفی جهان و از آن بدتر در میان مشتاقان فلسفه ی اسلامی و شرقی ناشناخته مانده است.

بیگانگی از فلسفه اسلامی و به ویژه حکمت متعالیه ی صدرایی و بی اطلاعی از اندیشه ی دورنگر فلسفه ی اسلامی، سبب انشعاب های فراوان و انحراف های بسیار و حتی تنبلی فکری و ساده انگاری شناخت حقیقت خواهد شد؛ همان که فلسفه ی امروز غرب را به وادی مانند

پوزیتیویسم^۴، پراگماتیسم^۵، ماده گرایی^۶، پوزیتیویسم منطقی^۷، حس گرایی^۸، تجربه گرایی^۹ و ساختار شکنی^{۱۰} و مانند اینها کشانده است.

1 theosophy

2 philosophy

3 transcendental philosophy

4 positivism

امروزه معرفی ملاصدرا و فلسفه ی او به عنوان یک مکتب پویا و زنده در قالب حکمت متعالیه، وظیفه ی بس مهمی است که می بایست اندیشمندان و فلاسفه ی کشورمان قدم در این راه بگذارند. ما نیز در این راستا، بخش «نظریه ی وجود ذهنی» این مکتب الهی به کند و کاو پرداختیم و تلاش کردیم، مدلول های تربیتی را کشف و استخراج نماییم؛ زیرا دریغ بود که این کالای پر بها و سودمند، در نهان خانه ی ذهن و دل فلاسفه ی مسلمان و یا در کنج کتابخانه زاویه ی مدارس پنهان بماند.

«نظریه ی وجود ذهنی» یکی از سرآمدترین و مهم ترین مسائل مربوط به «علم و معلوم» به شمار می رود. این مسئله مربوط است به حقیقت «علم» و «ادراک» و اینکه حالت نفسانی که نام آن را «علم» و «ادراک» گذاشته ایم چه نوع وجودی است و رابطه ی عمیق و مخصوص وی با شیء خارجی که آن را «معلوم» و «ادراک شده» می نامیم چیست؟

آنچه در این پایان نامه مهم است، استخراج، تنظیم و تدوین مهم ترین دیدگاه های معرفت شناختی صدرایی در قالب «نظریه ی وجود ذهنی» به عنوان بخشی از این دیدگاه ها و استنباط و استخراج مدلول های تربیتی آنهاست.

۱-۲- بیان مسئله:

بحث وجود ذهنی از جمله مباحث مهم فلسفه است که همواره ذهن فلاسفه را به خود مشغول کرده است. نظریه ی «وجود ذهنی» که در پرتو فلسفه ی اسلامی رشد و نمو یافته، از جمله مسائلی است که در فلسفه ی یونان باستان و حتی دوره های اولیه ی فلسفه ی اسلامی به صورت یک مسئله ی مستقل مطرح نبوده است.

-
- 5 pragmatism
 - 6 materialism
 - 7 logical positivism
 - 8 sensualism
 - 9 empiricism
 - 10 deconstruction

مهم ترین سؤالی که برای ملاصدرا و دیگر فیلسوفان در باب «وجود ذهنی» مطرح بوده، آن است که: حقیقت علم چیست؟ به عبارت دیگر، هنگامی که گفته می شود: فلان مطلب را می دانیم، چه حالتی در گوینده ی این سخن پدید آمده است؟ و به دیگر سخن، چه رابطه ای میان عالم و معلوم وجود دارد که عالم خود را آگاه و کاشف و داننده ی چیزی بر می شمرد؟ (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹).

به عقیده ی ملاصدرا، این رابطه جز وجود و حضور ماهیت معلوم خارجی در ذهن شخص ادراک کننده نیست؛ یعنی هنگام ادراک شیء خارجی، همان ذات و حقیقت شیء ادراک شده - و نه وجود آن - در ذهن عالم پدید می آید و وجود پیدا می کند (همان، صص ۱۷۰-۱۶۹).

سید رضی شیرازی (۱۳۸۳)، در کتاب درس هایی از شرح منظومه وجود ذهنی را این چنین بیان می کند: "آن وجودی که، لا یترتب علیه الآثار المطلوبه منه یعنی من الوجود الخارجی" (ص ۱۵۶). و اضافه می کند که: "این که گفته می شود بر وجود ذهنی آثاری مترتب نیست نه به این معنی که این نحوه از وجود اصلاً فاقد اثر باشد، کما این که برخی ممکن است چنین گمان کنند و البته این تصور به خطاست" (همو).

در تبیین چرایی بحث از وجود ذهنی در فلسفه ی اسلامی، دو نظر وجود دارد: بنا بر دیدگاه نخست که نظریه ی رایج و مشهور نیز هست، این بحث برای اثبات مطابقت ذهن و عین است. به بیان دیگر، "اثبات مطابقت معلومات با واقعیات مطرح شده" است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، صص ۲۶۹-۲۵۸).

دیدگاه دوم آن است که طرح این بحث برای تأکید بر وجود ذهنی یعنی وجودی که شأنی جز حکایت ندارد، در کنار وجود عینی است نه برای حل مشکل مطابقت ذهن و عین (فیاضی، ۱۳۸۶، ص ۹).

در پژوهش حاضر آن چه مد نظر ماست همان دیدگاه اول خواهد بود؛ در همین رابطه یکی از سؤالات مهم و قدیمی در فلسفه ی اسلامی که از قدیم الایام مطرح بوده، این است که حقیقت علم چیست؟

این سؤال را از دو منظر می توان بررسی کرد:

الف) علم داخل در کدام مقوله است؟

ب) نسبت علم با معلوم خارجی چیست؟

در پاسخ به سؤال اول قاطبه ی فلاسفه ی پیش از ملاصدرا می گفتند که علم داخل در مقوله ی کیف نفسانی است؛ یعنی در بخشی از بحث مربوط به علم و ادراک که در باب مقولات مطرح می گردد، در آن جا وقتی که مقولات را می شمارند و به مقوله ی کیف می رسند، آن وقت کیف را تقسیم می کنند به کیف محسوس، کیف استعدادی، کیف مختص به کم و کیف نفسانی و علم را از مقوله ی کیف نفسانی می دانند.

اما در باب حقیقت رابطه ی علم با معلوم، به طور مشخص سه دیدگاه در جهان اسلام مطرح شده است:

الف) دیدگاه اضافه : حقیقت علم را نوعی اضافه بین عالم و معلوم می داند .
«تعلق» می نامیده اند.

ب) دیدگاه اشباح : حقیقت علم را صورت و مثال شیء ادراک شده در نفس یا جهازات عصبی شخص ادراک کننده می داند.

ج) دیدگاه ماهوی : حقیقت علم را همان حضور ماهیت و ذات معلوم نزد عالم

می داند این نظر مورد قبول قاطبه ی فلاسفه اسلامی است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳، صص ۲۹۳-۲۹۰).

اما همچنان که ملاصدرا نشان می دهد دو دیدگاه «الف و ب» درست نیستند. وی رابطه ی انسان با جهان خارجی را رابطه ی ماهوی می داند؛ یعنی شما به هر چیزی که فکرت درگیر باشد، با حقیقتش متحد می شوید، تصور ما از اشیاء خارجی نشان دهنده ی ماهیت و حقیقت آنهاست، پس از یک طرف با تصور هر شیء حقیقت آن شیء در نفس قرار می گیرد و از طرف دیگر این نفس با حقیقت متحد می شود یعنی اتحاد وجودی پیدا می کند.

در پژوهش حاضر مبنای کار ما دیدگاه سوم یعنی همان «رابطه ی ماهوی» بین «علم و معلوم» و نظریه ی «وجود ذهنی (وجود ماهوی)» صدرالمتألهین خواهد بود و بر اساس این نظریه به استنتاج «مدلول های تربیتی»¹¹ خواهیم پرداخت.

۱-۳- ضرورت تحقیق:

صدرالمتألهین، تنها فیلسوفی است که توانست حکمت مشاء و حکمت اشراق و عرفان نظری ابن عربی را با شریعت و سنت نبوی و معارف قرآنی تلفیق و ترکیب کرده و مکتب فلسفی و عرفانی خاصی به وجود آورد که از دیدگاه شناخت فلسفی و تفکرات عقلی و تأملات الهی اهمیت فراوانی دارد

آراء و اندیشه های مطرح شده در مکتب او، بیشتر از مقوله ی حکمت الهی است، تا از مقوله ی فلسفی؛ که صدرالمتألهین خود آن را "حکمت متعالیه" می خواند. اما به نظر بنده حکمت متعالیه، یک نظام شناختی کاملی است که در درون فرهنگ بارور اسلامی، شکوفا شده و در بین مردمی معتقد به کتاب الهی و وحی نبوی پا گرفته است.

ملاصدرا در پرتو اندیشه های خلاق و پویای خود، توانست انقلاب بزرگی را در فلسفه ی اسلامی به وجود آورد و یک نظام خاص فلسفی و یک سیستم فکری مستقل را برپا نماید. وی برخلاف بوعلی و سهروردی که به اصالت ماهیت معتقد بودند، بر تقدم وجود بر ماهیت تأکید کرد و دیدگاه های عام و خاص و ابتکاری خود را بر اساس اعتقاد به اصالت وجود مطرح نمود.

طرح دیدگاه ها و مسائلی که نشان دهنده ی حکمت متعالیه صدرایی است از جمله اصالت وجود، وحدت وجود، بحث از وجودی بودن علم، اتحاد وجودی علم با عالم، اتحاد ماهوی علم با معلوم، واقع نمایی علم و در نهایت نظریه ی وجود ذهنی که یکی از مباحث مهم در زمینه ی حقیقت علم و ادراک در فلسفه ی اسلامی است، فلسفه ی اسلامی را دگرگون کرد.

¹¹ Implications

شناخت جهان و انسان با رویکرد و روش فلسفی، پدید آورنده ی دو دانش مهم فلسفی مهم، یعنی «جهان شناسی^{۱۲}» و «انسان شناسی^{۱۳}» است و این دو دانش، آن گاه که یک کاسه شوند و کل پهنه ی هستی را زیر پوشش و بینش مطالعاتی خود قرار دهند، دانش عام و کلی و گسترده «وجود شناسی^{۱۴}» را عرضه می دارند.

اما سخن در اینجاست که جهان شناسی و انسان شناسی فلسفی، یا در نگاهی وسیع تر و فراگیرتر، وجود شناسی، همه در کار شناخت اند، و شناخت، خود مقوله و موضوعی است مهم و اساسی که می توان ابعاد و زوایای گوناگون آن را بپوشش فلسفی و عقلانی به بحث و فحص گذاشت و نسبت به آن آگاهی و شناخت حاصل نمود. مطالعه و تحقیق درباره ی شناخت یا معرفت، پدید آورنده ی یکی از علوم فلسفی به نسبت جدید است، که اصطلاحاً «معرفت شناسی» یا «شناخت شناسی^{۱۵}» خوانده می شود. در این علم است که یک رشته پرسش های فلسفی درباره ی شناخت مطرح می گردد و پاسخ داده می شود . پرسش درباره ی ماهیت شناخت، امکان شناخت، راه شناخت، حدود شناخت و مناط صدق و کذب شناخت، از جمله مهم ترین هاست (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱).

به طور کلی مبحث وجود ذهنی دارای دو جنبه است:

۱ - از طرفی بُعد وجود شناسی دارد، زیرا نوعی وجود است که خواص و آثار وجود خارجی را از دست داده، گر چه در جای خود- نه در مقابله با وجود خارجی- یک موجود خارجی است اما وقتی آن را در برابر وجود عینی خارجی قرار می دهیم، نام وجود ذهنی به خود می گیرد؛

۲ - از طرف دیگر این مبحث یک مسئله شناخت شناسی است و به بررسی تشکیل علم و آگاهی در انسان و رابطه ی انسان با جهان خارج مربوط می شود.

¹² cosmology

¹³ anthropology

¹⁴ ontology

¹⁵ epistemology

از همین جا می توان به میزان اهمیت موضوع پژوهش پی برد چرا که با دو مبحث بسیار گسترده و مهم در قلمرو فلسفه روبرو هستیم که از دیر باز ذهن فلاسفه و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است و طبعاً هر کدام با پاسخی که به سوالات مطرح در این حوزه داده اند، موضع گیری هایی را نیز اتخاذ کرده اند، که منجر به ظهور و پیدایش مکاتب و دیدگاه های متفاوت و متضاد با هم شده است و از همین برداشت های خود اقدام به استخراج و استنتاج دلالت های فلسفی با بخش های فلسفی کرده اند.

بحث وجود ذهنی در واقع حلقه ی رابط میان وجود شناسی و معرفت شناسی است که رابطه ی انسان و جهان را روشن می سازد و مشکل انطباق عالم خارج با ذهن حل می شود (خامنه ای، ۱۳۸۳، ص ۹۶).

آن چه ضرورت انجام این تحقیق را ایجا ب می کند این است که برای دست یابی به یک نظریه جامع، کارآمد، بومی و اسلامی برای نظام تعلیم و تربیت کشور، لازم است به یک فلسفه ی تعلیم و تربیت اسلامی دست یابیم که بخشی از آن بر حوزه معرفت شناسی و نظریه ی «وجود ذهنی» اِبتناء دارد.

بررسی گذشته ی این رشته ی دانشگاهی در ایران و نیز توجه به نابسامانی های نظام تربیتی امروزی کشور ضرورت انجام چنین تحقیقاتی را بیشتر نمایان می کند.

از آغاز شکل گیری تعلیم و تربیت رسمی در کشور و سپس، شکل گیری رشته ی فلسفه ی تعلیم و تربیت در دانشگاه ها، همواره حجم عمده ی کار دانشگاهی و تحقیقات و مطالعات و به دنبال آن سیاست ها و عملکردهای تربیتی نظام آموزش و پرورش رسمی کاملاً متأثر از جریان فکری و منابع موجود در غرب بوده است. شیفتگی و مرعوب شدن نسبت به تمدن غرب سبب شده است که پژوهشگران و تصمیم گیران عرصه ی تعلیم و تربیت بدون نگاهی نقادانه، هر آنچه در غرب تولید می شده است را بی کم و کاست آرمان خود فرض کنند و با ترجمه بدون نقادی و تجزیه و تحلیل، آن ها را آموزش داده و سیاست های آموزشی را بر آن

مبنا قرار دهند و در این راه میراث عظیم فکری و فرهنگی حاصل از سابقه ی شکوهمند ایران اسلامی را فراموش کنند و چشم بر معایب این کالاهای وارداتی ببندند (محمدشفیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

شایع این جا بتوان این پرسش را مطرح کرد که آلی علم النفس ملاصدرا با همه ی استحکام و دقت خود، به ابعاد گوناگون نفس انسانی از جمله اجتماعی و مدنی بالطبع بودن آن توجه دارد؟ به عبارت دیگر، آلی حکمت متعالیه و مشخصاً علم النفس آن، در صحنه ی حقایق و علوم مرتبط با انسان (همان انسانی که بنا بر گفته ی ملاصدرا انسانیّت او به نفس او است) حاضر است و آلی همانند مسائل دقیق عقلی و فلسفی، نقاط مخفی و تاریک و مسائل زندگی فردی و اجتماعی انسان امروزی را با برهاری کردن و تدوین ساختار منطقی و عقلی روشن می کند؟ به عبارت دیگر، حکمت متعالیه محقق، تا چه حدی در معقول ساختن حیات فردی و اجتماعی انسان حضور دارد؟ حکمت متعالیه چه قلمروی از حوزه ی حیات انسانی (رواری و عاطفی، اجتماعی، دینی، سرکسری، حکومتی، علمی و ...) را زیر پوشش می گوید؟ به نظر می رسد یکی از ضرورتات و بایسته های حکمت صدرایی، کشف نکات مرتبط با این حوزه و عملی کردن آن و سرانجام ابتدای علوم انسانی و اجتماعی بر مبنای مباری حکمت متعالیه و سرانجام معقول کردن حیات بشری است.

۴-۱- اهداف تحقیق:

هدف کلی:

بررسی نظریه ی وجود ذهنی در حکمت متعالیه ی صدرایی و مدلول های تربیتی آن

اهداف ویژه:

۱- بررسی مفهوم وجود ذهنی

۲- تبیین دیدگاه های ملاصدرا در حوزه ی وجود ذهنی

۳- استنتاج مدلول های تربیتی حاصل از نظریه ی وجود ذهنی

۱-۵- سؤال اصلی تحقیق:

وجود ذهنی در حکمت متعالیه ی صدرایی چه ویژگی هایی دارد و چه مدلول های تربیتی از آن قابل استنتاج است؟

۱-۶- سؤال های تحقیق:

۱- مفهوم وجود ذهنی چیست؟

۲- ملاصدرا در حوزه ی وجود ذهنی چه دیدگاه هایی دارد؟

۳- چه مدلول های تربیتی را می توان از نظریه ی وجود ذهنی در حکمت متعالیه ی صدرایی استنتاج کرد؟

تعریف مفهیم تحقیق:

وجود ذهنی: صدرالمآلهین به پیروی از عرفا که معتقدند هر حقیقتی در مراتب و عوالم مختلف هستی، وجوداتی دارد و به اصطلاح آنها در پنج نشئه به نام "حضرات خمس" که شامل "وجود علمی الهی"، "وجود خارجی"، "وجود مثالی"، "وجود حسی" و "وجود ذهنی" است، جلوه ها و ظهورهای گوناگونی پیدا می کند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳، صص ۲۸۹-۲۸۸) این دیدگاه را مطرح ساخت که "چون خدای متعال، نفس انسانی را مثال و نمونه ای از ذات و صفات و افعال خویش آفرید تا شناخت آن، مرقات و نردبان شناخت خودش گردد و در عین داشتن صفات پروردگار یعنی قدرت، علم، اراده، حیات، سمع، و بصر، و قدرت آفرینندگی و انتخاب گری، در وجود و قوام ضعیف باشد، بدان قدرت خلق و ایجاد صورت های عقلی و خیالی بخشید که اضلال و اشباح وجود های خارجی صادر از باری تعالی به شمار می روند، و این گونه وجود که آثار بر آن مترتب نمی شود و به حسب چنین ظه وری از نفس صادر می گردد، وجود ذهنی و ظلی خوانده می شود" (الشیرازی، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۲۶۶-۲۶۵؛ به نقل: بهشتی، ۸۹، ص ۱۲۱).

حکمت متعالیه صدرایی: چهار جریان، روش فلسفی استدلالی، روش فلسفی اشراقی، روش سلوکی عرفانی مشائخ، روش استدلالی کلامی، در جهان اسلام ادامه یافتند تا در یک نقطه به یکدیگر رسیدند و جمعاً

جریان واحدی را به وجود آوردند. نقطه‌ای که این چهار جریان در آنجا با یکدیگر تلاقی کردند " حکمت

متعالیه " نامیده می‌شود(مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۸۱).

مدلول های تربیتی: نتایج و لوازم تربیتی ناشی یا مستنتج از مبانی فلسفی(عبدالشفیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۰).